



به بهانه سالروز درگذشت استاد ابوالفضل زرویی نصرآباد

## ملانصرالدین حکیم

زهرا فرقانی

نویسنده و طنزپرداز



ابراهیم کاظمی مقدم  
نویسنده و طنزپرداز

## طنز تربیتی بچه زنگ

مروری بر انیمیشن  
بچه زنگ، بهترین انیمیشن  
چهل و یکمین جشنواره فیلم فجر

امروزه مقالات علمی زیادی بر لزوم استفاده از طنز در تربیت و حتی آموزش و پرورش تأکید می‌کنند. البته برای دانستن این نکته لزومی به مطالعه این مقالات نیست و کافی است به تأثیر پویانمایی‌های مناسب سنین پایین بر روی کودکان دقت کرد. هالیوود سال‌ها پیش شروع به استفاده از طنز در انیمیشن‌های خود کرد که نمونه‌های محسوس آن برای سنین ما تام و جری و میگ‌میگ و ... است. امروزه هم که با کمک همین انیمیشن‌ها، به صورت کامل کودکان جهان را در قرضه خود گرفته است. استفاده از طنز در تربیت قرن هاست در ایران اسلامی در کتاب‌های عبید و گلستان سعدی و مثنوی معنوی و ... استفاده می‌شد و مکتب‌خانه‌ها از آن استفاده می‌کردند. این روزها اما جای خالی تولیدات بومی طنزی که مطابق با ذائقه نسل جدید باشد، کاملاً محسوس است. البته کار برای کودکان منحصر در پویانمایی نیست، اما قطعاً یکی از تأثیرگذارترین آن‌ها است. علاوه بر این نسل جدید انس زیادی با داستان و شعر مکتوب و یا حتی صوتی ندارند. ضمن این که آثار مکتوب با توجه به آموختن سواد در هفت سالگی، بسیار دیروارد عرصه تربیت کودکان می‌شوند. در صورتی که پویانمایی از سنین بسیار پایین این کار را انجام می‌دهد. گروه «هنر پویا» با ساخت پویانمایی‌های «شاهزاده روم»، «فیلشاه» و این بار با اکران پویانمایی «بچه زنگ» نشان داد به این اصل اساسی و مهم دقت و توجه کامل دارد و به خوبی از پس استفاده از طنز در تربیت برآمده است. صحنه‌های تقابل کودک با زنگوش و سربازان در شاهزاده روم و تقابل بهتر موش و فیل و فیل و فیلبلان در فیلشاه به حدی زیبا بودند که بعضاً مخاطب بزرگسال را نیز همراه می‌کردند. ضمناً این گروه همواره نشان داده در تلاش است فرهنگ و ارزش‌های بومی ایران اسلامی را برای کودکان بازگو نماید و صرفاً یک پویانمایی برای سرگرمی کودکان نیست. داستان بچه زنگ داستان کودکی است که تحت تأثیر همین پویانمایی‌های خارجی، قهرمانی و پیروزی را در راه و روش خیالی و لباس و ابزارهای خاص می‌بیند. این کودک که محسن نام دارد طی خط داستانی و با آشنا شدن با موجوداتی مثل بیرمنقرض شده مازندران و قلب جنگل به جایی می‌رسد که در سیر تربیتی او لازم بوده است. نکته‌ی مهم همین است که این سیر تربیتی با استفاده از طنز موقعیتی و صحنه‌های خنده‌دار، کودک را به تماشای ادامه داستان وامی‌دارد. حضور ببر مازندران با صدپیشگی هومن حاج‌اللهی توانست صحنه‌های خنده‌دار و زیبایی را خلق کند. ابهت ببر و تضاد به وجود آمده از قرار گرفتن او در شهر و لحظاتی که این ابهت را از بین می‌برد یک دوگانگی خنده‌دار را برای مخاطب ایجاد کرد که طنز زیبایی را به تصویر کشیده بود. اگرچه صدا نتوانست به خوبی روی شخصیت ببر منقرض شده بنشیند و این مشکل در انیمیشن فیلشاه هم برای نگاهبان فیل‌ها به چشم می‌خورد، اما طنز تصاویر و دیالوگ‌ها این مشکل را به خوبی پوشش داده بود. نکته‌ای که این اثر را متمایز از آثار هم‌چون محله گل و بلبل و بالش‌ها و خیلی از آثار دیگر کرده، زبان طنز قابل فهم برای کودکان است. دغدغه‌های فکری نویسنده همواره در آثارش نمایان است و سختی کار نوشتن طنز برای کودکان همین جاست. نویسنده‌ی کودک باید مراقب باشد این دغدغه‌ها اثر را به سمت یک طنز بزرگسال که با زبان کودکانه نوشته شده، نبرد. مشکلی که در آثار اخیر عموپورنگ و حتی برخی برنامه‌های شبکه پویا مثل پویانمایی پچرخ تا پچرخیم به شدت به چشم می‌خورد. ویژگی مثبت دیگر بچه زنگ دغدغه‌مند بودن سازندگان آن است. سازندگانی که فقط قرار نیست یک اثر نمایشی خوب را تحویل نسل جدید بدهند. بلکه می‌خواهند اندیشه و فرهنگ تمدنی ایرانی-اسلامی خود را به این زبان به نسل بعد منتقل کنند. همین اصل باعث شده بچه زنگ، همبازی رقبای هالیوودی پر از نمادگرایی باشد. با این تفاوت که نمادگرایی در راستای مثبت آن استفاده شده است.

و نقیضه‌ها و اخوانیه‌ها و حتی آثار محاوره‌ها و از جمله مثنوی صمیمانه‌ی «بامعرفت‌ها» هر بار بخشی از توانمندی و هنر زرویی را به نمایش می‌گذاشت و لذتی تازه به کام مخاطب می‌چشانند. او در مرثیه و آثار آیینی هم قلمی پخته و بیانی شیوا همراه سوزی از جان برآمده داشت که بر جان می‌نشست. آثاری مثل «ماه به روایت آه» و «مرثیه دست» که در رثای حضرت ابوالفضل گفته شده شاهدهی بر این مدعا است. هر چند خود معتقد بود طنز گفتن از مرثیه سرودن دشوارتر است. چرا که طنز شیرین بیان کردن یک واقعه تلخ است و مرثیه بازگو کردن یک تلخی.

حتی «رفوزه‌ها» که مجموعه‌ی طنزهای زرویی در طی سال‌ها فعالیت مطبوعاتی اوست علی‌رغم تصویری که از طنز مطبوعاتی وجود دارد نه آثاری زمان‌دار و دم‌دستی‌اند و نه سوزیهایی سوخته و تاریخ‌گذشته. به قول خودش تا جایی که می‌شده هرگز مطلبی که دلی نبوده را ولو در ستون‌های روزانه مطبوعات منتشر نکرده. این است که بلاغت کلام و نوآوری در سبک و کاربرد شگردهای طنز و انتخاب سوزیهایی هوشمندانه، این اثر را نیز به گونه‌ای ماندگار کرده که اسیر زمان خود نشده و امروز هم قابلیت آن را دارد که یک نفس بخوانی‌اش و به انتها برسانی و باز خواندن از سرگیری و هر بار از خواندنش حظ ببری.

زرویی معلمی ست که با سخن غرزش و با تمامی آثار مکتوب و هر آنچه از او به یادگار مانده من جمله نخستین شب طنز کشور که با عنوان «در حلقه رندان» برای طنزپردازان و مخاطبین طنز نامی آشناست، هنوز در دل اهالی هنردوست این ملک زنده است و هنوز همچون حکیمی دانا و زنده به طنز و نکته‌پردازی مشغول است و استادانه شیوه سخن به مخاطب می‌آموزد.

حکیمی با تخلص ملانصرالدین.

می‌گویند آرش یکبار جان در چله‌ی کمان نهاد و آن را کشید تا مرزهای ایران را از تعرض تورانیان حفظ کند. می‌گویم شاعر هر بار بخشی از جان شیرین در جوهر قلم می‌نهد و بر کاغذ می‌رقصاند تا بخشی از مرزهای ادبیات این ملک را از هجمه‌ی فرهنگ بیگانه در امان دارد و زرویی چنین شاعری بود. کسی که در جوانی ماهی امید طنزپردازان شد و به قول کیومرث صابری (گل آقا) قلم عبید را بدست گرفت و همین جمله کافی ست برای آنکه بدانیم ابوالفضل زرویی چه گوهر صیقل خورده‌ای بوده در زمانه‌ی ما. گرچه گاه خرف بازاری را می‌شکست و خون در دل لعش موج می‌زد. بگذریم ... او ضمن اینکه به روستازاده بودن خود افتخار می‌کرد، می‌گفت روستاییان یک شرم و خودکم‌بینی دائم دارند. من می‌گویم شرم نه، ادب و نجابت و اصالت و مهربان ذاتی و سال‌ها شهرنشینی ذره‌ای گرد بر تابناکی این روح بلند نشانند و تا پایان حیات همچنان متواضعانه آنچه را از حکمت آموخته بود، جرعه-جرعه با بیان نجیب طنزی خیرخواهانه و نقدی اصلاحگر بر جان مخاطب می‌نشانند.

زرویی بیش از یک استاد بود. کسی که طنز را معنایی تازه بخشید و آن را با سبکی نو احیا کرد و هر بار سبک و قالب جدید را تا جایی پیش برد که مخاطب همچنان تشنه بماند و باز راه خلاقانه‌ای دیگر در پیش می‌گرفت. از طنز سرودن در قالب شعر نو که کمتر کسی جسارت رفتن به سمت آن را داشت تا برگردان حکایات کهن به زبان طنز (غلاقه به خونش نرسید) تا نقیضه بر تذکرةالاولیای عطار (تذکره-المقامات) که نشان از تسلط او بر متون کهن داشت و هر بار یکی از مسئولین و وزرا را مورد تفتد قرار می‌داد؛ اما نقد زبردستانه او در این اثر چنان جذاب بود که حتی مخاطب مستقیم تذکره‌ها هم از خواندنش لذت می‌برد. سایر آثار او مثل نثر طنز قاجاری (خاطرات حسنعلی خان مستوفی)